



چرا ترکیه به حفظ
رابطه با اسرائیل
اهمیت می‌دهد؟

۴

صبح ۸

سال هفدهم
شماره ۳۹۶۰
سه‌شنبه
۱۴۰۲ اسد ۱۰
۱ اگست ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

گرفتن حق العبور از مسافران و راننده‌گان برای
بازسازی سالنگ‌ها!

شهروندان خواستار شفافیت‌اند



طالبان کار بازسازی ۸۰ کیلومتر جاده در گذرگاه سالنگ را آغاز کرده و گفته‌اند که قرار است برای ساخت «اساسی» آن از مسافران و راننده‌گان «حق العبور» اخذ کنند. این گروه ادعا کرده است که پس از کانال قوش‌تپه، این دومین پروژه بزرگ «ملی اقتصادی» است که با تکمیل آن تسهیلات لازم جهت رفت‌وآمد از شمال به جنوب و توسعه تجارت فراهم خواهد شد. با این حال، شماری از راننده‌گان و مسافران در خصوص این طرح دیدگاه‌های متفاوت دارند. شماری موافق و برخی مخالف‌اند...

۳

ملاهای انگلیسی در خدمت طالبان



۶

طالبان: به افراد قرضدار
که ممنوع‌الخروج هستند
پاسپورت داده نمی‌شود



۸ صبح، کابل: وزارت امور داخله تحت مدیریت طالبان اعلام کرده است که برای افرادی که به دلیل قرضدار بودن و یا انجام ندادن سایر تعهدات‌شان توسط نهادهای مربوط ممنوع‌الخروج هستند، پاسپورت داده نمی‌شود. عبدالمتین قانع، سخنگوی وزارت امور داخله تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۹ اسد، با نشر توییتی موانع صدور پاسپورت برای شهروندان کشور را نوشته است. به گفته او، افرادی که از سوی دادگاه طالبان در قضیه‌های تجارتي و مدنی محکوم شده‌اند نمی‌توانند پاسپورت دریافت کنند. طبق اظهارات قانع، افرادی که سیستم بايومتریک آنان را ممنوع‌الخروج تثبیت کند نیز در میان کسانی‌اند که از سوی این گروه پاسپورت اخذ کرده نمی‌توانند. همچنان کودکانی که وکیل قانونی ندارند، در میان کسانی‌اند که حق گرفتن پاسپورت را ندارند. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، محدودیت‌های زیاد در گرفتن پاسپورت برای شهروندان کشور وضع شده است. شهروندان در داخل کشور از روند توزیع پاسپورت شکایت دارند.

ایالات متحده از ادامه بازداشت‌ها و وضع محدودیت‌های مذهبی ابراز نگرانی کرد

در خصوص بحران انسانی و نیاز به ادامه حمایت از سازمان‌های کمک‌رسان و نهادهای سازمان ملل که کمک‌های منطبق با اصول بشردوستانه را ارائه می‌کنند، ابراز کرده‌اند. از سویی هم، مقام‌های امریکایی در این دیدار بر آزادی فوری و بدون «قیدوشرط» شهروندان امریکایی بازداشت شده از سوی طالبان تأکید و خاطرنشان کرده‌اند که این بازداشت‌ها مانع تعامل مثبت با این گروه شده است. این نگرانی‌ها درحالی مطرح می‌شود که طالبان از زمان تسلط‌شان به این‌سو، همواره متهم به نقض حقوق بشر شده‌اند و محدودیت‌های زیادی را بر زنان و دختران کشور وضع کرده‌اند. با روی کار آمدن این گروه در افغانستان، موضوع حقوق بشر از پیش‌شرط‌های جهان برای تعامل با طالبان است. با این حال، رهبران این گروه تا کنون به این خواست‌ها لیبیک نگفته‌اند.



وضع محدودیت‌های مذهبی در افغانستان مطرح کرده‌اند. بر بنیاد اعلامیه، مقام‌های ایالات متحده همچنان از طالبان خواستند تا سیاست‌های‌شان که سبب بدتر شدن وضعیت حقوق بشر، به‌ویژه برای زنان و دختران در افغانستان و همچنان جوامع آسیب‌پذیر شده است را تغییر دهند. نماینده‌گان امریکا همچنان نگرانی عمیق خود را

۸ صبح، کابل: وزارت خارجه امریکا از دیدار توماس وست، ریئا امیری و شمار دیگری از مقام‌های ایالات متحده با نماینده‌گان طالبان در دوحه خیر می‌دهد. این وزارت ناوقت روز دوشنبه، ۱۰ اسد، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که در این دیدار، نماینده‌گان امریکا نگرانی «شدید» خود را نسبت به بحران انسانی، ادامه بازداشت‌ها، سرکوب‌رسانه‌ها و

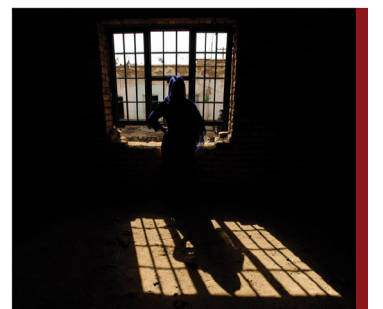
طالبان انفجار در پاکستان
را محکوم کردند

۸ صبح، دایکندی: منابع محلی در دایکندی از خودکشی یک پسر نوجوان در این ولایت خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این رویداد روز دوشنبه، ۹ اسد، در روستای غجورباش از مربوطات ولسوالی سنگ‌تخت و بندر ولایت دایکندی رخ داده است. این پسر ۱۵ سال داشت و خود را حلق‌آویز کرده است. تا کنون انگیزه این خودکشی معلوم نیست. طالبان هم تا کنون در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند. گفتنی است که از چند ماه به این‌سو، موارد خودکشی در میان جوانان در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است. پیش از این، یک دختر ۱۸ ساله در تاریخ ۳ اسد سال جاری در شهرک ملاغلام از مربوطات مرکز بامیان خودکشی کرده بود.

۷ صبح
آیا مخالفان سیاسی و
نظامی طالبان توان به
چالش کشیدن این گروه
را دارند؟



۵ صبح
بازگشت از جهنم زنده‌گان؛
روایت دختر
تاکستان‌های سوخته
شمالی





افغانستانی در داخل پاکستان

یک روز پس از حمله انتحاری خون‌بار در منطقه باجور، رسانه‌های پاکستان به پوشش خبرهای عادی برگشته‌اند و از آن حادثه خونین فقط تعدادی خبر و گزارش باقی مانده است. گویا اتفاق جنایی در یک گوشه دورافتاده و فراموش شده رخ داده است که چندان به اسلام‌آباد و لاهور و کراچی نشینان ارتباط نمی‌گیرد. تصور کنید اگر آن حمله در اسلام‌آباد یا حتی مرکز شهر پیشاور رخ می‌داد، ده‌ها کشته و صدها زخمی برجامی گذاشت، آنگاه پژواک آن روزها در گوش حاکمان پاکستان و باشندگان شهرها و کارکنان ادارات آن کشور طنین می‌انداخت و زنگ‌های خطر بسیار بلندتر به صدا می‌آمد. تجربه اتفاقات مشابه در گذشته را به یاد داریم و می‌دانیم که حملات مشابه در مناطق نزدیک به شاه‌رگ‌های سیاسی و اقتصادی اسلام‌آباد چقدر حساسیت و واکنش در پی دارد.

حاکمان اسلام‌آباد قدرت‌گیری تروریستان را در کابل جشن می‌گیرند. جشن‌شان از آن رو نیست که قدرت‌گیری طالبان در کابل، حرکت اسلام‌آباد را به سوی امارت و طالبانی شدن تسهیل می‌کند و سیاست‌مداران و جنرالان آن کشور از تماشای الگویی در کابل به فردای طالبانی کشور خود امیدوار شده باشند، بلکه اعلام پیروزی بر همسایه و مردمی است که به رغم مشترکات بسیار اقتصادی، فرهنگی و تاریخی، در سوی دیگر یک خط فرضی سیاسی زنده‌گی می‌کنند و رقیب پنداشته می‌شوند. در داخل پاکستان نیز مرزهای جغرافیایی، طبقاتی، فرهنگی و قومی وجود دارد و حاکمان معتاد به توطیه و تروریست‌پروری در آن کشور، بخش‌هایی از آن سرزمین را پاکستانی‌تر و وطن‌تر از مناطق دیگر می‌دانند. روحیه حاکمان پاکستان نسبت به مناطق قبایلی از جمله باجور که کنار مرز افتاده، متأثر از سیاست‌های بازمانده از دوران حاکمیت هند بریتانوی است. در آن زمان، به این مناطق چون بخشی از سرزمین هند بریتانوی دیده نمی‌شد. آن مناطق دیوار حایل و حفاظ سرزمین اصلی شبه‌قاره بود و برای توسعه آن مناطق و ادغام سیاسی و فرهنگی ساکنان آن با سرزمین اصلی تلاشی نمی‌شد. دولت پاکستان هنوز به آن مناطق چون خاک مقبوضه و پینه ناساز به تن سرزمین اصلی، نگاه می‌کند. متأسفانه این روحیه بر باشندگان سرزمین اصلی پاکستان و رویه رسانه‌ها نیز اثر گذاشته است.

این امر بحران ناامنی و تروریسم را در دوسوی خط دیورند پیچیده‌تر کرده است و به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران اردو و استخبارات پاکستان پذیرفته‌اند که افغانستان خارجی و داخلی داشته باشند، و هر گاه آتشی در کابل شعله‌ور می‌شود، مناطق قبایلی و بخش‌هایی از بلوچستان چون پرچم‌گیر عمل کنند. از این رو، تا زمانی که بدنه اصلی پاکستان، به‌خصوص پنجاب و تعدادی از شهرهای بزرگ مصون باشند، تروریسم مدیریت‌شدنی و «مفید» پنداشته می‌شود. نیروهای ضد طالب در پاکستان، اردوی آن کشور را متهم به شعله‌ور نگه‌داشتن آتش جنگ و تروریسم در بخش‌های شمال‌غربی کشور می‌کنند. این سخن را تحلیل‌گران و سیاست‌مداران معترض به تکرار در رسانه‌ها گفته‌اند و اکنون در بیشتر محافل و نشست‌های جنبش تحفظ پشتون و برخی سازمان‌ها و نهادهای معترض دیگر هر روزه بیان می‌شود.

اما ترس گسترش این آتش در سراسر پاکستان وجود دارد. گمان نمی‌رود در حالی که طالبانیسم و انتحارگرایی در افغانستان و مناطق قبایلی سال‌ها شعله‌ور باشد، شهرها و روستاهای اطراف این سرزمین به زنده‌گی آرام ادامه داده بتوانند. ظرفیت مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و قومی برای جلوگیری از ریزش تنش‌ها و فجاج سیاسی، حتی از نوع مدیریت‌شده‌ای که امروز در افغانستان و شمال‌غرب پاکستان جریان دارد، محدود است. شکست تروریسم در پاکستان، بدون شکست طالبان در افغانستان ممکن نیست.

جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان به برگزار کنندگان نشست دوحه: دست از سفیدنمایی طالبان بردارید



هم‌زمان با برگزاری نشست دو روزه نماینده‌گان ویژه امریکا با برخی از سران طالبان در دوحه قطر، جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان از برگزار و اشتراک کنندگان این نشست به‌ویژه زنان می‌خواهند تا از سفیدنمایی طالبان دست بردارند. جنبش‌های اعتراضی روز دوشنبه، ۹ اسد، در یک اعلامیه‌ای شش ماده‌یی زنان اشتراک کننده در این نشست را «خاین و معامله‌گر» خطاب کرده و گفته است که بیش ازین به انسانیت و ارزش‌های بشری خیانت نکنند.

در اعلامیه جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان آمده است: «جمعی از زنان لابی‌گر طالب به تمام مشکلات زنان و دختران افغانستان چشم‌های‌شان را بسته و در چاق ساختن حساب‌های بانکی نهادهای خود در دوحه جامع بین‌المللی را می‌گویند تا بتوانند بازار معامله بر حقوق زنان را گرم نگاهداشته و به زران‌دوئی ادامه بدهند.»

جنبش‌های اعتراضی همچنان گفته‌اند که برخی از زنان و دختران افغان در دو سال گذشته به قیمت آزادی، امنیت و جان‌شان برای عدالت و برابری به جاده‌ها برآمده و فریاد حق‌طلبی بلند کردند. اعلامیه افزوده است: «در ادامه معامله‌گری‌ها، جمعی از وجدان فروخته‌ها و منفعت‌طلب حتی حاضر

شدند تا با پا گذاشتن روی تقدس جنسیت‌شان، با یک گروه تروریستی که زنان را به ملکیت و ماشین تولید مثل تقلیل داده‌اند، وارد تعامل شوند.» جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستان با انتقاد از عدم پاسخگویی جامعه جهانی در مورد نقض گسترده حقوق زنان و دختران افغان از سوی طالبان، بار دیگر از کشورها و نهادهای بین‌المللی می‌خواهد که از هر نوع نشست و لابی‌گری برای طالبان دست بردارند. این اظهارات در حالی بیان می‌شود که از روز گذشته به این سو نشستی با اشتراک تام وست، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان، رینا امیری، نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان برخی از سران طالبان به‌شمول امیرخان متقی، وزیر خارجه این گروه و شماری از زنان در دوحه، پایتخت قطر در حال برگزاری است.

تا کنون جزئیاتی از این نشست به رسانه‌ها درز نکرده است. پیش از دیدار نماینده‌گان امریکا با طالبان، وزارت امور خارجه امریکا هفته گذشته گفت که این دیدار به معنی تغییر موضع امریکا در قبال طالبان و به‌رسمیت شناسی رژیم این گروه در افغانستان نیست.

یک مرد و یک دختر جوان در فاریاب کشته شدند



روز دوشنبه، ۹ اسد، می‌گوید که یک دختر جوان روز گذشته در قریه عزیزآباد در حومه شهر میمنه با فیر اشتباهی تفنگ چراهی کشته شده است. او خاطرنشان کرده است که این دختر ۱۶ سال داشت.

وی افزوده است که در یک رویداد دیگر، در اثر مشاجره و درگیری فیزیکی دو چوپان با یک زن و شوهر در منطقه تیلان ولسوالی پشتون‌کوت، شوهر این زن کشته شد و خود زن زخمی شده است. به گفته او، نام این مرد دولت‌مراد بود و ۴۵ سال داشت.

این در حالی است که روز گذشته نیز در رویدادهای جداگانه در ولایت‌های قندهار و ارزگان، دو تن کشته شده بودند.

حدود دو هزار دانش‌آموز در ننگرهار بسته‌های آموزشی و صحت دریافت کردند

۸ صبح، ننگرهار: مسوولان محلی طالبان در ننگرهار می‌گویند که سازمان حمایت از کودکان به یک هزار و ۷۴۵ دانش‌آموز این ولایت، بسته‌های آموزشی و صحت کمک کرده است. فرهاداحمد استانکزی، سخنگوی ریاست معارف طالبان روز دوشنبه، ۹ اسد، گفته که این بسته‌ها به دانش‌آموزان ۵۰ صنف محلی در ولسوالی نازیان این ولایت کمک شده است. به گفته وی بسته‌های توزیع شده شامل کتاب، قرطاسیه، لوازم بازی کودکان و وسایل بهداشتی بوده است.

مستفیدشده‌گان این کمک‌ها خواستار توجه بیشتر نهادهای مدد‌رسان در این زمینه شده‌اند. گفتنی است که طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، مکاتب بالاتر از صنف ششم را به‌رویی دختران بسته کردند. پس از آن برخی از نهادهای بین‌المللی با ایجاد صنف‌های محلی زمینه آموزش را برای آنان فراهم کرده‌اند. این در حالی است که پیش از این نیز سازمان حمایت از کودکان به دانش‌آموزان مکاتب ننگرهار در بخش آموزش و صحت کمک کرده است.

سه خبرنگار از سوی استخبارات طالبان در بلخ بازداشت شدند

۸ صبح، بلخ: منابع محلی در بلخ می‌گویند که سه خبرنگار هنگام تهیه گزارش از یک حادثه آتش‌سوزی توسط نیروهای استخبارات طالبان در این ولایت بازداشت شده‌اند.

منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان این خبرنگاران را پس از چاشت روز دوشنبه، ۹ اسد، از مربوطات شهر مزارشریف، مرکز این ولایت بازداشت کرده‌اند.

به گفته منابع، نجیب فریاد، خبرنگار آریانا‌نیوز، هاتف آرین و صبغت‌الله توران از خبرنگاران محلی از جمله افراد بازداشت شده هستند. مسوولان محلی طالبان در بلخ تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

آتش‌سوزی که در مسیر مزارشریف-ولسوالی بلخ رخ داده است هنوز ادامه دارد.

گواهان رویداد می‌گویند که این آتش‌سوزی خسارات هنگفت مالی به مردم وارد کرده است.

طالبان پس از روی تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، با رسانه‌ها و خبرنگاران به‌شدت مخالفت کرده و هر از گاهی اقدام به بازداشت، لت‌وکوب و زندانی کردن آنان می‌کنند.

این در حالی است که ماه گذشته نیز یک خبرنگار محلی در ننگرهار از سوی افراد این گروه بازداشت شد.



کنعانی: به توافقات ابتدایی در باره حقایق هیرمند دست یافتیم

۸ صبح، کابل: ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، می‌گوید که توافقات ابتدایی در مورد حقایق این کشور با افغانستان انجام یافته است.

به گزارش رسانه‌های ایرانی، کنعانی این سخنان را روز دوشنبه، ۹ اسد، در یک نشست خبری بیان کرده است. وی جزئیات بیشتر در مورد این توافقات ارایه نکرده است.

پیشتر یک عضو مجلس نماینده‌گان ایران نیز با انتقاد از ابراهیم ریسی، رییس‌جمهور ایران گفته بود که با گذشت نزدیک به دو ماه از هشدارهای وی به طالبان، این اختاریه‌ها نتیجه‌ای در پی نداشته‌اند.

گفتنی است که سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در ماه گذشته گفت که طالبان حقایق ایران را قبول دارند، اما به تعهدات خود برای تامین آن عمل نکرده‌اند.

وی در آن زمان گفته بود که این موضوع در گفت‌وگو با طالبان با جدیت پی‌گیری می‌شود. این مقام ایرانی از طالبان خواست تا مسوولیت خود در قبال تامین حقایق ایران از رودخانه هیرمند را ادا کنند.

طالبان کمبود آب در بندها و خشک‌سالی‌های پی‌مهم در کشور را علت نشدن آب به ایران می‌دانند.



طالبان استقلال بانک مرکزی را از بین برده‌اند



امین کاوه

بازرس ویژه ایالات متحده در گزارش خود تاکید کرده که هدف درازمدت صندوق امانی پول، بازگشت ۳.۵ میلیارد دالر از دارایی‌های بانک مرکزی افغانستان است؛ اما طالبان با لغو قانونی اساسی، قانون بانکداری و استقلال این بانک را زیر پرسش برده‌اند و نیز تقرر دو شبه‌نظامی این گروه در رأس بانک مرکزی افغانستان، این خطر را به میان آورده است که این پول‌ها به بانک مرکزی برگردانده نشود.

رسمی ایالات متحده در افغانستان، نظارت موثر از بانک مرکزی این کشور را چالش‌برانگیزتر ساخته است. بر بنیاد این گزارش، در چنین وضعیتی حتا نظارت موثر بر فعالیت‌های انجام‌شده صندوق امانی پول افغانستان در سوئیس نیز دشوار خواهد بود. جان ساپکو، رییس اداره بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان، در این گزارش پرسیده است که هیات مدیره صندوق امانی پول افغانستان در سوئیس چگونه عمل می‌کنند و چه نوع اطلاعاتی را از این خواهند کرد. او همچنان پرسیده است که تصمیم‌های هیات مدیره این صندوق و نوعیت جمع‌آوری اطلاع و تایید این اطلاعات از بانک مرکزی بر چه معیارهای صورت خواهد گرفت، در حالی که این بانک تحت کنترل و نفوذ طالبان قرار دارد.

همچنان سیگار در این گزارش به سقوط کابل بانک در سال ۲۰۱۰ میلادی اشاره کرده و گفته است که این مساله چالش‌های نظارتی را از امور بانکی در افغانستان برجسته کرده و پیامدهای آن تا کنون بر سیستم بانکی این کشور، از بین نرفته است.

سیگار افزوده است که صندوق امانی پول خارجی که کارکرد بانک مرکزی موازی را ایجاد می‌کند، ممکن است تنها گزینه برای ارایه مدیریت اقتصادی مورد نظر باشد. به گفته این نهاد، تا زمانی که طالبان اطمینان ندهند که بانک مرکزی افغانستان از ذخایر ارزی آن گونه که از سوی ایالات متحده در نظر گرفته شده استفاده می‌کنند، هیچ پیش‌رفتی در زمینه بازگرداندن ۳.۵ میلیارد دالر ذخیره ارزی بانک مرکزی افغانستان به میان نخواهد آمد.

این در حالی است که پیش از این نیز وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا اعلام کرده بود که حساب‌رسی بانک مرکزی تحت کنترل طالبان را برای آزادسازی ۳.۵ میلیارد دالر دارایی‌های این بانک از صندوق امانی، نپذیرفته است. این نهاد تاکید کرده که بانک مرکزی تحت کنترل طالبان نتوانسته است شفافیت لازم را به میان بیاورد.

گفتنی است که صندوق امانی افغانستان سال گذشته به هدف نگهداری ۳.۵ میلیارد دالر در سوئیس ایجاد شده است؛ اما ادامه فعالیت این صندوق و چگونه‌گی نظارت جمع‌آوری اطلاعات و تایید اطمینان خاطر ناظران از بانک مرکزی همچنان مورد سوءظن و پرسش ایالات متحده قرار دارد. در حال حاضر، این صندوق توسط هیاتی متشکل از نمایندگان ایالات متحده، سوئیس و دو مقام دولت پیشین افغانستان نظارت می‌شود. این صندوق مستقر در شهر جینوای سوئیس، مسوول تمام مرادوات و فعالیت‌های بانکی، پرداخت بدهی‌های بین‌المللی افغانستان، تادیات برق وارداتی و نیز رسیده‌گی به نیازمندی‌های آینده چاپ پول است که از سوی برخی از نهادهای به‌عنوان بانک مرکزی موازی نیز نام برده شده است.

طالبان، چالش‌های طولانی‌مدت اقتصادی افغانستان را تشدید کرده است. در گزارش آمده است: «سروکوب و سوءمدیریت اقتصادی طالبان، ظرفیت نهادهای کلیدی اقتصادی افغانستان را کاهش داده و بازگشت این منابع مالی به افغانستان را غیرقابل دفاع کرده است.»

در گزارش تازه سیگار تاکید شده که نظارت بین‌المللی بر عمل کرد بانک مرکزی افغانستان، ضروری است و سبب ایجاد اعتماد بین‌المللی برای بازگرداندن ۳.۵ میلیارد دالر پول از صندوق امانی در درازمدت خواهد شد. به گفته سیگار، این امر زمانی محقق خواهد شد که طالبان متعهد شوند که به جای دو مقام گروه خود، دو چهره متخصص و فنی بی‌طرف را بگمارند که وابسته‌گی سیاسی نداشته باشند. در گزارش آمده که جهت احیای ظرفیت و استقلال بانک مرکزی افغانستان، گماشتن کارمندان تخنیکی و غیرسیاسی برای بازگرداندن دارایی‌های صندوق امانی پول، ضروری است.

بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا به نقل از یک مقام این کشور که نامی از او برده نشده، نگاشته است که در زمان تاسیس صندوق امانی پول افغانستان، طالبان هیچ اطمینان ندادند که مبالغ مالی برای اهداف «شورانه یا بدخواهانه دیگر» منحرف نخواهد شد. در این گزارش هشدار داده شده که حتا اگر طالبان معیارهای ایالات متحده را برای انتقال وجوه مالی به بانک مرکزی رعایت کنند، باز هم خطرات قابل توجهی در حصول اطمینان از استفاده پول‌های منتقل شده برای اهداف مورد نظر طالبان، باقی خواهد ماند.

سیگار در گزارش ۵۲ صفحه‌ای که در مورد افغانستان منتشر کرده، آورده است که عدم حضور

تقرر این دو تن در رأس بانک مرکزی، استقلال این بانک را زیر پرسش برده و نگرانی‌ها از پول‌شویی و تامین مالی گروه‌های تروریستی را افزایش داده است.

همچنان سیگار گفته است که مداخله طالبان در امور بانک مرکزی، دارایی‌های متعلق به صندوق امانی پول افغانستان در سوئیس را نیز با خطر مواجه ساخته است. در گزارش آمده است: «مداخله طالبان در امور بانک مرکزی خطرانی را برای اقتصاد افغانستان و دارایی‌های متعلق به صندوق امانی پولی افغانستان در صورتی که در نهایت بازگردانده شوند، به همراه دارد.»

بازرس ویژه ایالات متحده در گزارش خود تاکید کرده که هدف درازمدت صندوق امانی پول، بازگشت ۳.۵ میلیارد دالر از دارایی‌های بانک مرکزی افغانستان است؛ اما طالبان با لغو قانونی اساسی، قانون بانکداری و استقلال این بانک را زیر پرسش برده‌اند و نیز تقرر دو شبه‌نظامی این گروه در رأس بانک مرکزی افغانستان، این خطر را به میان آورده است که این پول‌ها به بانک مرکزی برگردانده نشود. در گزارش سیگار تصریح شده است که اگر معیارهای معینی از جمله شواهد کافی مبنی بر عدم مداخله و نفوذ سیاسی طالبان در کنترل و نظارت برای جلوگیری از پول‌شویی و تامین مالی گروه‌های تروریستی وجود نداشته باشد، ایالات متحده به‌ویژه وزارت خزانه‌داری این کشور، از بازگشت پول صندوق امانی افغانستان در سوئیس به بانک مرکزی این کشور، حمایت نخواهد کرد.

بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا در گزارش خود به نقل از والی آدیمو، معاون وزارت خزانه‌داری این کشور، گفته است که سوءمدیریت اقتصادی

بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا (سیگار) با نشر گزارشی، از مداخله طالبان در امور بانک مرکزی افغانستان هشدار داده است. سیگار گفته است که طالبان با لغو قانون اساسی افغانستان، قانون بانکداری و استقلال قانونی بانک مرکزی را از بین برده‌اند. به گفته بازرس ویژه آمریکا، دو مقام طالبان که در فهرست تحریم‌های سازمان ملل متحد قرار دارند، در رأس بانک مرکزی گماشته شده‌اند. این نهاد، افزوده است که مداخله طالبان در امور این بانک، دارایی‌های متعلق به صندوق امانی پولی افغانستان را با خطر عدم بازگشت روبه‌رو ساخته است. سیگار تاکید کرده تا زمانی که شواهد کافی مبنی بر عدم مداخله و نفوذ طالبان و جلوگیری از پول‌شویی و تامین مالی گروه‌های تروریستی ارایه نشود، ایالات متحده از بازگشت وجوه مالی از صندوق امانی افغانستان در سوئیس به بانک مرکزی افغانستان، حمایت نخواهد کرد. این در حالی است که پیش از این نیز ایالات متحده در پی تفتیش بانک مرکزی تحت کنترل طالبان برای آزادسازی ۳.۵ میلیارد دالر دارایی‌های این بانک از صندوق امانی، وضعیت آن را غیرقابل قبول خوانده است.

بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار)، با نشر گزارشی، از مداخله طالبان در امور بانک مرکزی افغانستان هشدار داده است. سیگار گفته است که طالبان قانون اساسی افغانستان را که در پرتو آن قانون بانکداری و استقلال قانونی بانک مرکزی تامین گردیده بود را از بین برده‌اند. بازرس ویژه ایالات متحده افزوده است که طالبان دو مقام گروه خود را در رأس بانک مرکزی گماشته‌اند که هر دو در فهرست تحریم‌های سازمان ملل متحد قرار دارند. در گزارش تصریح شده که

گرفتن حق العبور از مسافران و راننده‌گان برای بازسازی سالنگ‌ها؛

شهروندان خواستار شفافیت‌اند



خواهد آمد. در همین حال، منابع می‌گویند که طالبان روی طرحی کار می‌کنند که بر بنیاد آن از مسافران و راننده‌گان مسیر سالنگ‌ها حق العبور گرفته خواهد شد. یک منبع از ریاست حفظ و مراقبت سالنگ‌ها که از ذکر نامش در گزارش خودداری می‌شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که قرار است از طریق «تول پلازا» حق العبور از مسافران و راننده‌گان برای بازسازی ۸۰ کیلومتر جاده سالنگ‌ها جمع‌آوری شود.

ادامه در صفحه ۷

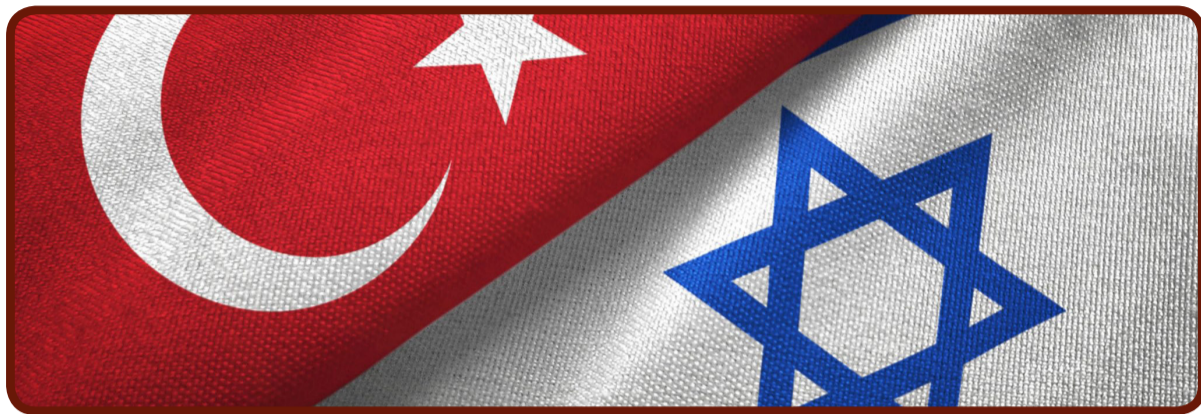
دفتر معاون اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان در ۲۱ سرطان سال جاری در خبرنگارهای از آغاز کار بازسازی ۸۰ کیلومتر جاده گذرگاه سالنگ خبر داد. بر بنیاد خبرنگار، پروژه بازسازی این جاده به دو شرکت خصوصی سپرده شده و قرار است در مدت دو سال به بهره‌برداری سپرده شود. هر چند هزینه مجموعی ساخت این جاده تا کنون روشن نیست، اما عبدالغنی برادر هنگام گشایش کار ساخت آن گفته بود که پس از کانال قوش‌تپه، این دومین پروژه بزرگ «ملی و اقتصادی» است که با تکمیل آن، سهولت رفت‌وآمد در بخش تجارت از شمال به جنوب به وجود

دارند. شماری موافق و برخی مخالف‌اند. مخالفان با انتقاد از طرح پرداخت حق العبور می‌گویند که با توجه به شرایط بد اقتصادی کشور، آنان توان پرداخت این پول را ندارند. آنان می‌گویند که مردم نانی برای خوردن ندارند و طالبان به بهانه‌های مختلف از آن‌ها «پول جمع‌آوری» می‌کنند. با این حال، طالبان می‌گویند که در صورت عملی شدن این طرح، تنها از راننده‌گان حق العبور گرفته خواهد شد. از سویی هم، شماری از آگاهان امور اقتصادی هر چند از این طرح استقبال می‌کنند، اما خواستار شفافیت در روند جمع‌آوری پول هستند.

۸صبح، پروان

طالبان کار بازسازی ۸۰ کیلومتر جاده در گذرگاه سالنگ را آغاز کرده و گفته‌اند که قرار است برای ساخت «اساسی» آن از مسافران و راننده‌گان «حق العبور» اخذ کنند. این گروه ادعا کرده است که پس از کانال قوش‌تپه، این دومین پروژه بزرگ «ملی اقتصادی» است که با تکمیل آن تسهیلات لازم جهت رفت‌وآمد از شمال به جنوب و توسعه تجارت فراهم خواهد شد. با این حال، شماری از راننده‌گان و مسافران در خصوص این طرح دیدگاه‌های متفاوت

چرا ترکیه به حفظ رابطه با اسرائیل اهمیت می‌دهد؟



شجاع‌الدین امینی

حفظ رابطه با اسرائیل اهمیت می‌دهد؟

۱- مبادلات تجاری ضرورت حفظ رابطه با اسرائیل را برجسته می‌کند.

چیزی که در رابطه پرتنش میان ترکیه و اسرائیل قابل توجه است، حفظ رابطه تجاری میان دو کشور است. منازعات سیاسی نتوانسته بازار گرم تجارت میان دو کشور را سرد کند. برای نمونه، حجم تجارت میان دو کشور در سال ۲۰۱۰، ۳.۴ میلیارد دلار بود؛ ولی این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۸.۱ میلیارد دلار افزایش یافت. این در حالی است که در این بازه زمانی رابطه میان دو کشور شدیداً پرتنش بود.

عامل مهم دیگر، صنعت گاز در اسرائیل است. پس از آغاز جنگ اوکراین، اهمیت گاز اسرائیل نمایان شد. گاز اسرائیل برای ترکیه البته بیش‌تر اهمیت دارد؛ چون ترکیه از واردکننده‌گان گاز است. اروپا به گاز اسرائیل نیاز دارد. اسرائیل از سه مسیر می‌تواند گازش را به اروپا انتقال دهد: مصر، قبرس - یونان و ترکیه. تا این دم اسرائیل قبرس - یونان را بهترین گزینه می‌داند. به همین منظور در ۲ جنوری ۲۰۲۰ میان اسرائیل، یونان و قبرس طرح احداث خط لوله گازی ایست‌مید به امضا رسید. هدف از امضای این طرح، انتقال گاز شرق مدیترانه به اروپای غربی است. احداث این خط قرار است تا سال ۲۰۲۵ تکمیل شود. این پروژه، گاز اسرائیل را از طریق قبرس به یونان و از یونان به ایتالیا و همین‌طور به اروپای غربی انتقال می‌دهد. هزینه آن، شش میلیارد یورو برآورد شده است. تنها کشوری که با این طرح مخالفت می‌کند، ترکیه است. این در حالی است که آمریکا و اتحادیه اروپا از این طرح حمایت کردند؛ چون آن را، راه بی‌نیازی از گاز روسیه می‌پندارند. حالا، ترکیه با گرم‌ساختن رابطه با اسرائیل می‌خواهد کار ساخت این خط لوله تعطیل و ترکیه به‌مثابه راه انتقال گاز به اروپا انتخاب شود؛ کاری که مزیت فراوانی برای این کشور خواهد داشت. ترکیه ضمن دریافت حق ترانزیت، نیازمندی‌اش به گاز را مرفوع می‌سازد و همچنان به جایگاه منطقه‌ای و اعتبارش نزد اتحادیه اروپا خواهد افزود.

۲- ترکیه برای مهار سوریه و ایران به اسرائیل نیاز دارد.

ترکیه در همسایه‌گی‌اش دو رقیب مهم دارد: سوریه و ایران که با هر دو میانه خوبی ندارد. البته با ایران کم‌تر و با سوریه بیش‌تر در نزاع بوده است. ترکیه برای مهار رقیبانش حفظ رابطه با اسرائیل را ضروری می‌داند. اسرائیل که مشخص است ایران را دشمن می‌داند و رابطه‌اش با سوریه نیز به‌شدت تیره است. از این‌رو، خوب به کار ترکیه می‌آید. ترکیه با سوریه در زمینه چه‌گونه‌گی تعامل با کردها اختلاف دارد. این کشور، سوریه را متهم به پناه‌دادن به کردها از جمله سران حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) می‌کند. سوریه در زمان جنگ داخلی و ظهور داعش به‌روی نیروهای کرد آغوش باز کرد و از آن‌ها در جنگ علیه داعش استفاده برد که موفق هم بود؛ کاری که خشم ترکیه را برانگیخت و سبب شد تا این کشور به ائتلاف مبارزه علیه داعش به رهبری آمریکا نپیوندد. به همین خاطر ترکیه چند سال است که شمال سوریه را بمباران می‌کند؛ چون این منطقه را پناه‌گاه نیروهای کرد می‌داند.

ترکیه خواهان برانداختن بشار اسد از قدرت بود؛ چیزی که اسرائیل نیز می‌خواست. ترکیه به دو دلیل خواستار کنار رفتن اسد از قدرت بود: ۱- می‌خواست که نیروهای اخوانی در سوریه جاگزین اسد شوند؛

۲- به دنبال تضعیف نیروهای کرد بود که با کنار رفتن اسد از قدرت به این هدف نایل می‌شد. اما وضعیت در سوریه خلاف مراد اردوغان رقم خورد. نه بشار اسد از قدرت کنار رفت، نه نیروهای کرد نابود شدند و نه هم اخوانی‌ها به قدرت رسیدند. حالا که بحران سوریه پایان یافته است، نقش پای روسیه در میدان این کشور در حال محو شدن است. ترکیه و اسرائیل فکر می‌کنند که میدان سوریه اکنون برای‌شان خالی مانده است. از این‌رو، تلاش می‌کنند در فقدان روسیه بتوانند نقش موثری برای تامین منافع‌شان در سوریه ایفا کنند.

ترکیه به‌رغم آن که از برنامه هسته‌ای ایران در قالب معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای (NPT) حمایت می‌کند، ولی هرگز دوست ندارد ایران تبدیل به قدرت برتر هسته‌ای در منطقه شود. اتمی‌شدن ایران نتیجه طبیعی‌اش تضعیف جایگاه ترکیه است؛ ترکیه‌ای که از بسیاری جهات از ایران برتری دارد و مهم‌تر از آن عضو ناتو است. زمانی که تنش در رابطه ترکیه با سوریه و ایران بالا بگیرد، آنکارا می‌تواند با ابزار اسرائیل آن‌ها را تهدید کند. عادی‌سازی رابطه میان ایران و اسرائیل به این زودی‌ها ممکن به نظر نمی‌رسد، ولی رابطه اسرائیل و سوریه می‌تواند دچار نوسان شود. در صورتی که رابطه این دو کشور به حالت عادی برگردد، آمریکا نیز به‌سمت این دو، نگاه خواهد افکند. در این صورت، سوریه در مرزها پرقدتر ظاهر می‌شود و بحران آب فرات با ترکیه را جدی می‌گیرد که این به زیان آنکارا خواهد بود.

۳- حفظ رابطه با اسرائیل، حفظ رابطه با آمریکا را در پی دارد.

اسرائیل متحد راهبردی آمریکا در خاور میانه است. آمریکا از عینک این کشور به‌سوی سایر کشورها نظر می‌اندازد. می‌توان گفت که دستگاه سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه با دستان اسرائیل چرخانده می‌شود. ترکیه می‌داند که دوستی با اسرائیل، دوستی با آمریکا را در پی دارد. کشوری که ساز دشمنی با اسرائیل بنازد، نمی‌تواند محبوب آمریکا قرار گیرد. دوستی با آمریکا برای ترکیه مزیت‌های زیادی دارد. ترکیه در سایه دوستی با آمریکا می‌تواند در برابر روسیه، سوریه، ایران و سایر رقیبانش قدرت‌نمایی کند. همچنان می‌تواند جایگاه خود را در ناتو ارتقا بخشد و از نفوذ آمریکا برای شمولیت در اتحادیه اروپا استفاده کند. برای نمونه، در گفت‌وگوی تلفونی انجام‌شده میان اردوغان و جو بایدن در ماه روان میلادی، اردوغان خواستار کمک آمریکا در زمینه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا شد.

این همه زمانی صورت می‌گیرد که رابطه ترکیه با اسرائیل گرم باشد. در زمینه به یک مثال تاریخی اشاره می‌شود. محمدرضا شاه در نوامبر ۱۹۴۹ به آمریکا سفر کرد. این اولین سفر او به آمریکا بود. شاه ایران در آمریکا به نفوذ دستگاه لابی‌گر اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا پی برد و به این نتیجه رسید که کسب حمایت آمریکا از کوچه دوستی با اسرائیل می‌گذرد. پس از برگشت، اسرائیل را به‌گونه‌دی‌فاکتو به‌رسمیت شناخت که خشم دنیای عرب و همین‌طور روحانیت در ایران را برانگیخت.

امریکا در حفظ رابطه ترکیه با اسرائیل نقش برآزنده دارد. پس از کشته شدن شهروندان ترکی به‌دست نیروهای اسرائیلی، این امریکا بود که رابطه دو کشور را در مسیر عادی‌شدن قرار داد. اواما در سال ۲۰۱۳ به خاور میانه سفر کرد و در دیدار با نتانیاهو او را وادار به معذرت‌خواهی از ترکیه و پرداخت غرامت کرد. در

نتیجه فشار آمریکا بود که اسرائیل به مطالبات ترکیه تن داد.

رسانه‌ها در ۲ جولای سال جاری از فروش ۲۵ فروند جنگنده ۴۳۵ از سوی آمریکا به اسرائیل خبر دادند. این در حالی است که آمریکا به ترکیه حتی یک فروند جنگنده F۱۶ نفرورخته است. پس از آمریکا، اسرائیل دومین کشوری است که از جنگنده ۴۳۵ برخوردار است. گفته می‌شود که رقم جنگنده‌های ۴۳۵ اسرائیل به ۷۵ فروند می‌رسد. پس ترکیه برای دریافت فناوری نظامی پیشرفته که آمریکا از اعطای آن به این کشور پرهیز می‌کند، ضرورت دارد تا رابطه‌اش با اسرائیل را گرم نگه دارد.

۴- ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به اسرائیل نیاز دارد.

اتحادیه اروپا اسرائیل را یک کشور دموکراتیک در خاور میانه می‌داند و از آن حمایت می‌کند. قدرت نظامی اسرائیل تنها مرهون کمک آمریکا نیست، بلکه اتحادیه اروپا نیز در زمینه نقش دارد. برخی از اعضای مهم اتحادیه اروپا از اسرائیل در برابر اعراب در جنگ‌ها حمایت کرده‌اند. در سال ۱۹۹۵ قرارداد همکاری میان اتحادیه اروپا و اسرائیل به امضا رسید. این خیلی مهم است که نهادی چون اتحادیه اروپا متشکل از ۲۸ کشور با یک کشور کوچک از حیث نفوس و جغرافیا قرارداد می‌بندد. البته این قرارداد بعداً در سال ۲۰۱۳ از سوی اسرائیل لغو شد؛ چون موضع‌گیری اتحادیه اروپا در قبال بحران فلسطین برای اسرائیل خوشایند تمام نمی‌شود. همچنان در نیمه جون ۲۰۲۲ میان اتحادیه اروپا و اسرائیل توافق در زمینه خرید گاز به امضا رسید. طبق این قرارداد، گاز اسرائیل از طریق مصر به اتحادیه اروپا انتقال پیدا می‌کند. این تلاش پس از آن صورت گرفت که روسیه، اتحادیه اروپا را تحریم گازی کرد و این اتحادیه، اسرائیل را به‌مثابه بدیل برگزید.

اگر ترکیه با اسرائیل دشمنی بورزد، دورنمای عضویت آن کشور در اتحادیه اروپا تیره‌تر خواهد شد. دشمنی ترکیه با اسرائیل این انتباه را برای اتحادیه اروپا خلق خواهد کرد که گویا ترکیه با تنها کشور دموکراتیک خاور میانه (اسرائیل) دشمنی می‌ورزد. در حالی که عضویت در اتحادیه اروپا دوستی با کشورهای دموکراتیک را می‌طلبد نه دشمنی با آن‌ها را. لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا نیز نقش مهمی دارد. اگر بخواهد می‌تواند این اتحادیه را به عدم پذیرش عضویت ترکیه وادار کند؛ چنان که می‌تواند رابطه آمریکا با ترکیه را نیز تیره سازد.

۵- اسرائیل به حفظ رابطه با ترکیه اهمیت می‌دهد.

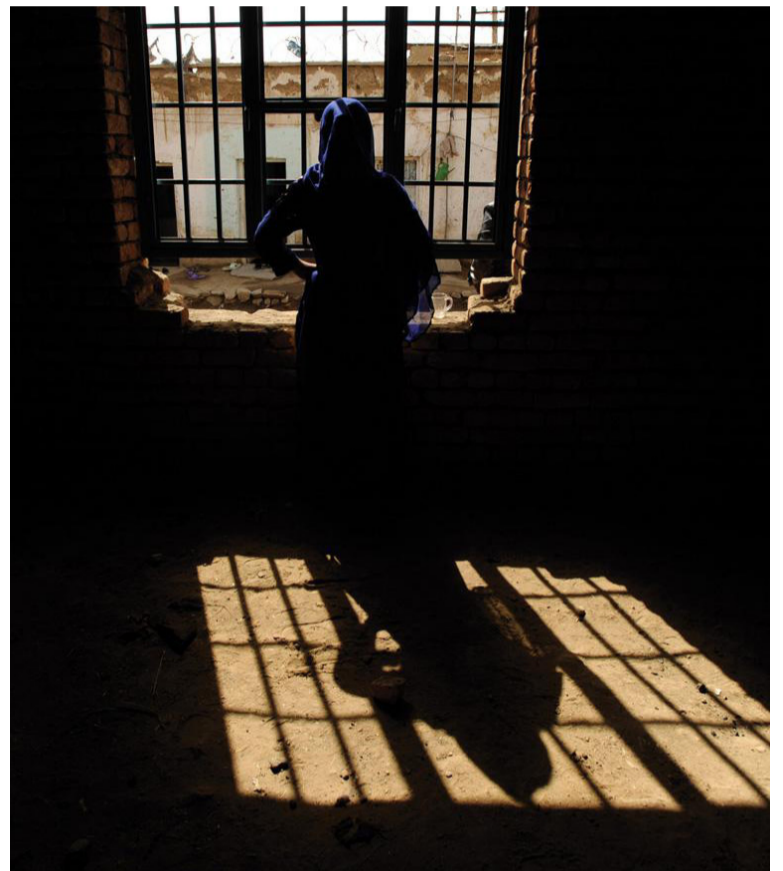
لحن ترکیه به‌رغم آن که علیه اسرائیل تند بوده و آغازگر قطع رابطه دیپلماتیک نیز این کشور بوده است، ولی اسرائیل تا این دم کوشیده است موضع نرمی علیه آنکارا اتخاذ کند. تنها واکنش تند اسرائیل علیه آنکارا پاسخ نتانیاهو به حمله لفظی اردوغان بود: «اخلاقی‌ترین ارتش دنیا حاضر به شنیدن موعظه از کسی نیست که سال‌هاست غیرنظامیان را بمباران می‌کند.» نتانیاهو می‌خواست بگوید که ارتش ترکیه کردها را به قتل می‌رساند. اسرائیل با ترکیه وجوه مشترک دارد: هر دو به‌شبه سکولاریستی اداره می‌شوند، هر دو به‌مثابه کشور دموکراتیک شناخته می‌شوند، هر دو متحد غرب هستند، هر دو صنعتی و توسعه‌یافته هستند، و مهم‌تر از همه هر دو غیرعرب هستند و رابطه دیرینه تاریخی با هم دارند. اسرائیل در شرایطی که در محاصره اعراب و ایران قرار دارد، نمی‌خواهد قدرت منطقه‌ای مهمی چون ترکیه را دشمن خود سازد. برای نمونه، شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل، در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۷ در سفری که به ترکیه داشت، در پارلمان این کشور سخنرانی کرد و گفت: «در ترکیه اسلام میانه‌رو وجود دارد و رهبران ترکیه وزنه‌ای در مقابل اسلام رادیکال هستند.»

ترکیه کشوری است که اگر اراده کند، می‌تواند رابطه اسرائیل با جهان عرب را متحول سازد. همچنان می‌تواند نیروهای فلسطینی مخالف اسرائیل را به صلح ترغیب کند. رابطه ترکیه البته با اسرائیل زمانی عمیق‌تر می‌شود که کمالیست‌ها قدرت را در این کشور به‌دست گیرند؛ چون این گروه نسبت به اسلام‌گرایان بیش‌تر به غرب گرایش دارد.

بازگشت از جهنم زنده‌گان؛

روایت دختر تاجکستان‌های سوخته شمالی

آنچه از تجارب و چشم‌دیدهای کودکی مروه می‌شنوم، مو بر بدن آدم راست می‌کند. درد عمیق و تلخی در پشت کلمات و روایتش جا گرفته است و غبطه گلوگیری که رنج مشترک مروه‌هایی است که از وطن، تنها رنج‌هایش را چشیده‌اند، ولی با همه سیاهی‌های زنده‌گی جنگیده‌اند.



تمنا عارف

سه سال قبل از یک نمایشگاه آثار هنری و فرهنگی «برای صلح» در صحن یکی از دانشگاه‌های خصوصی بازدید می‌کردم. در میان آثار نمایشگاه، تابلوی نقاشی صحنه «پس از انتحاری آموزشگاه موعود» توجهم را جلب می‌کند. به آن نزدیک می‌شوم. شعر قیصر امین‌پور: «قول می‌دهم، ریشه‌های ما به آب؛ شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد. ما دوباره سبز می‌شویم.» نیز در کنار تابلو نوشته شده است. سخن از سبز شدن و امید است. روبه‌رویم دختری قدبلند و میان‌سال، سرشار از لبخند ایستاده می‌شود. از همان‌جا رفیق هم می‌شویم.

وقتی طالبان تلاشی خانه‌به‌خانه را در خیرخانه شروع کردند، با بی‌رحمی تمام به همه چیز چنگ می‌زدند تا بهانه‌ای برای سرکوب و تحقیر خیرخانه‌نشینان پیدا کنند. به دیدارش می‌روم تا از مروه (نام مستعار) هنرمند و معلم، روایتش را بشنوم.

مروه از استالف می‌آید، منطقه‌ای تاریخی و تماشایی در حوالی پایتخت افغانستان. از خانواده شش‌نفری که شامل مادر، پدر، سه خواهر و یک برادر می‌شد، تنها او و خواهر بزرگش چانس زنده ماندن می‌یابند و از تهاجم طالبانی (اسد ۱۳۷۸) موفق به دوام حیات می‌شوند. مروه از آن ایام چیزهای زیادی به خاطر نمی‌آورد، اما کنده کنده خاطرات غم‌ناک هجوم لشکر طالبان بر شمالی را چنین روایت می‌کند: «مردم بی‌گناهی در ملک و منطقه ما بودیم. بی‌ضرر زنده‌گی می‌کردیم که فتنه و آتش جنگ به دامن سبز شمالی در گرفته بود. ما خانواده شش‌نفره بودیم که از دو مرد خانه هیچ کدام در جنگ نبود. همین‌طور شاید صدها خانه دیگر که هیچ ارتباط مستقیم به جنگ نداشتند. یک‌باره در روزهای بسیار گرم که فصل انگورها هم رسیده بود و شمالی سبز می‌زد، مثل

مور و ملخ به باغ و زمین و خانه‌های ما مردم، لشکر لشکر افراد مسلح با سر و وضع وحشت‌ناک سرازیر شدند. بی‌آن که یک کلمه در مورد دلیلش به کسی بگویند، تاجکستان‌ها را آتش می‌زدند، درختان را با آره و تیر و هرچه داشتند قطع می‌کردند، خانه‌ها را چپه می‌کردند، زن، مرد، پیر و جوان را شکنجه می‌کردند، به موترهایی که شاید چکله بودند، بار می‌کردند، می‌کشتند و پراکنده می‌کردند. خلاصه یک هجوم و تاراج بی‌سروسامان به راه افتیده بود. مردم مجبور شده بودند دسته‌دسته راه کوچ و فرار پیش بگیرند، همه مردم. ولی آن لشکرهای ویرانگر حتا به کوچ و مهاجرت هم اجازه نمی‌دادند، طفل را از مادر، زن را از شوهر، پدر را از خانواده و همه را از هم‌دیگر جدا می‌کردند، می‌کشتند و همان وحشت که تا هنوز خونم را به جوش می‌آورد، در پیش چشمان ما جاری بود. ما هم که راه افتیده بودیم و تا هنوز نمی‌دانم کجا باید می‌رفتیم و سن‌وسال کوچک داشتیم، از قسمتی از راه به موتر بار شدیم. مثل این‌که حیوانات را روی هم انبار کرده باشند، زن، مرد، پیر، جوان و کودک روی هم افتیده بودیم. موترها به سمت نامعلومی توسط دانش‌های طالبان که همه اطراف را در محاصره داشتند، هدایت می‌شدند. چشم‌دیدها و خاطراتم از آن دوران همین‌هاست.»

آنچه از تجارب و چشم‌دیدهای کودکی مروه می‌شنوم، مو بر بدن آدم راست می‌کند. درد عمیق و تلخی در پشت کلمات و روایتش جا گرفته است و غبطه گلوگیری که رنج مشترک مروه‌هایی است که از وطن، تنها رنج‌هایش را چشیده‌اند، ولی با همه سیاهی‌های زنده‌گی جنگیده‌اند. از مروه می‌پرسم که چگونه از دم گلوله و بی‌رحمی طالبانی تا امروزها رسیده است. می‌گوید: «نمی‌دانم در کدام قسمت بود که موتر از راه مانده بود و مردم را برای توزیع به موترهای دیگر از آن خرابه خالی کرده بودند. از آن‌جا به بعد مردم در موترهای دیگری بار زده می‌شدند و باز به سمت نامعلومی

برده می‌شدند. تنها طالبان می‌دانستند که آن موترها کجا باید بروند. بعدها که بزرگ‌تر شدیم و از آن جنایت آدم‌هایی زنده بازگشتند، می‌گفتند که موترهای پر از مردم به جنوب برده می‌شدند. طوری نبود که افراد خانواده‌وار به موترها تقسیم شوند، مثل بار ریگ و جغل هر کسی به هر موتری انداخته می‌شد. حساب‌و‌کتابی نبود. من بار شدن مادر و پدرم را با چشمان خود دیدم و یاد می‌آید. عده‌ای هم از فشار زیاد جان داده بودند، بیشتر پیران و کودکان. تعدادی از بار شدن بازمانده بودند، شاید تا این‌که موترهای دیگری از راه برسند و بازمانده‌ها را بار کنند. من در جمع بازمانده‌گان بودم. وضعیت همین‌طور بود.

پراکنده‌گی زیاد بود، مردمان در همان وضعیت وخیم هم دنبال اعضای خانواده‌هایشان می‌گشتند. در آن موقع مردی از قریه ما دنبال یافتن اعضای فامیلش می‌گشت. همان‌جا مرا شناخته بود و به بغل گرفته با خود برده بود، تا همین سال‌های قبل‌تر که به حق پیوست. به من می‌گفت تو را از سرای شمالی یافته‌ایم. بعدها مرا به خانه مامایم در سنجن (منطقه‌ای در ولایت کاپیسا) رسانیده و تحویل داده بود. دیگر در خانه مامایم بزرگ شدم. وقتی دوباره مرا به استالف آوردند، خانه‌ها مبدل به کندواله (ویرانه) شده بود، بوی سوخته تاجکستان‌ها هنوز به مشام می‌خورد و خبری از جنب‌وجوش قریه و مردمان قدیمش و سایه حضور خانواده‌ها نمانده بود. از فامیل من دیگر کسی برنگشت. تازه چند سال قبل با خواهر دیگرم که او هم زنده مانده بود و حال صاحب فرزند و شوهر است، از هم‌دیگر خبر شدیم. زنده ماندن و نماندن دیگر اهمیت خاصی نداشت. من با هر روز بزرگ شدن و فکر کردن به جنایتی که بر ما گذشته است، باربار مرده‌ام.»

مروه در اوایل دهه ۸۰ به کابل می‌آید و به درس و تعلیم مشغول می‌شود. او به رغم همه صدمات روحی و روانی‌ای که از تهاجم و لشکرکشی طالبانی در خاطره داشت، هنوز بر اراده‌اش برای جنگ علیه جهل و سیاهی استوار مانده بود. مروه می‌گوید: «دیگر دلم به آن‌جا (زادگاهش) پا نمی‌گرفت. مرا دیوانه می‌کرد غربت خانه‌ها و ویرانه‌ها. آن‌چه میراث پدری بود، یک تکه زمین سوخته و خانه‌های کندواله (ویرانه). همه را فروختم و این خانه (خانه‌ای که اکنون نشستیم) را خریدیم. مکتب و دانشگاه خواندم، در همین خانه مشق و تمرین نقاشی و رسامی کردم، خوش‌نویسی کار کردم و... چهار سال را با امتحان سویه در مکتب ارتقا کردم تا از مکتب که باید خیلی قبل‌ها فارغ می‌شدم، فارغ شوم و زود به دانشگاه برسم. همین‌گونه کامیاب شدنم در دانشکده ادبیات دانشگاه کابل و ادامه تحصیلات تلاش‌هایی بود که حس می‌کردم با برداشتن هر قدم، از عاملان جاهل و جنایت‌کار خانه‌ویرانی ما انتقام سختی می‌گیرم.»

مروه دانش‌آموخته سویه لیسانس ادبیات فارسی دانشگاه کابل است. هنرهای تجسمی را نیز هم‌زمان با دوران مکتبش در آموزشگاه‌ها یاد می‌گیرد. او سال‌های پس از دانشجویی‌اش را در معارف و کار آموزگاری برای دخترانی که از آتش جنگ‌ها و مصیبت‌ها، نیمه‌جانی به سلامت برده بودند، صرف می‌کند. مروه می‌گوید: «دایم به آمار قربانیان جنگ فکر می‌کردم و رنجی دلم را می‌پوشاند. تصور من از قربانی پیش از آن‌که مرده‌گان و ناپدید شده‌گان جنگ باشند، کودکانی بودند که از جنگ‌ها بازمانده بودند و همین‌گونه

از تعلیم و آموزش محروم شده بودند. قبل از همه دختران، که خودم به‌حیث یک دختر رنج قربانی بودن را تجربه کرده بودم. به همین دلیل، فکر می‌کردم بهترین کاری که به آرامش روان خودم و هم سهمی برای ساختن جامعه انجام بدهم، کار معلمی است. به همین بنا کوشش زیادی کردم که در یکی از مکاتب دولتی معلم شوم. سیستم فاسد، واسطه‌گرایی و انواع مختلف رشوه‌طلبی باعث آن شد که دستم را از رفتن به مکتب‌های دولتی بشویم. از آن به بعد در یک کارگاه هنری در نقش آموزگار هنر مشغول شدم و در یک مکتب خصوصی معلم شدم که سپس تا قبل از سقوط دولت، آن مکتب را مدیریت هم کردم.

یک گام پیشتر گذاشتن هم برای من دختر، برای توی دختر، برای آن دختر و برای هیچ‌یک از دختران این جامعه، بی‌خلل و خار نبود. تو خودت درک می‌کنی که در جامعه ما زن بودن خارج از حیاط خانه و در درون حیاط یعنی چه. برای مایی که هیچ نقشی در جنگ‌افروزی نداشتیم، ولی همیشه قربانی جنگ و سنت بودیم، گویا قرار نیست هنوز هم دریچه‌ای به سمت روشنی‌ها باز باشد.»

تسلط مجدد تفکری که یک‌بار خانواده و همه‌چیز مروه را از او گرفته است، اکنون برای بار دوم او و میلیون‌ها دختر دیگری را که در دل تنهایی‌ها، رنج‌ها، مهاجرت‌ها و بی‌سرپرستی‌ها جنگیدند و به دستاوردهای اندکی خودشان را رسانیدند، در کنج خانه‌ها زندانی کرده است. مروه با آن که هنوز کابوس چشم‌دیدهای ایام کودکی‌اش تنش را به لرزه می‌آورد، از قابل تحمل نبودن شرایط آموزش نیز دردمندانه می‌گوید: «به چشم دیدن اسارت انسان‌های متعلق به خودت و بدتر این‌که دیگر از زنده و مرده بودنشان هرگز خبری نیابی، گرده بردبار و صبر ایوب می‌خواهد. تنهایی و دور شدن همیشه‌گی از نوازش والدین در شرایطی که آتش از هر طرف زبانه می‌کشید و سال‌ها به‌سختی نفس کشیدن را تنها کسانی می‌توانند حس کنند که شرایط یک‌سانی باهم داشته باشند. من همین‌طور خار و زار زنده‌گی کردم، ولی ادامه دادم تا برای آرامش خود و نجات مردم یک گوشه کاری کرده باشم. تا جایی که بارها با خود گفتم برای صلح اگر از خودگذری هر شهروند لازم باشد، من خون بسته‌گانم را به طالب بخشیده‌ام. با همین خیال به ده‌ها نمایشگاه و کنفرانس صلح که در هر کجا بود، می‌رفتم. مثالش همان نمایشگاه هنری.

اما چه شد؟ طالب خواسته و ناخواسته از کشتن آدم‌ها تا رویاها دریغ نمی‌کند. برای مایی که حالا هیچ راهی نداریم و روزها با جبر به کنج خانه خو بگیریم، که چه؟

همین چند روز قبل این‌جا تلاشی راه افتاد. تلاشی که نبود، اصلا تحقیر کردن بود. قرار بود سلاح‌ها را جست‌وجو کنند، ولی آن‌طور نبود. آن‌ها کتاب‌ها و تابلوها را هم لگد کردند.

در دیوار اتاقی که برای کارگاه هنری ترتیب کرده بودم، تابلوهای نقاشی دختران بود، از مکتب یا کودکان؛ همه را شکستند. آدم به چه چیزی بنگرد که دلش خوش باشد؟ هیچ. حتا اگر حوصله مبارزه در دل این تاریکی را پیدا کنم، وقت کافی برایش نیست. من حالا هر دو را در بساط خود نمی‌یابم. جنگ این لشکر سیاه‌دل جان‌های ما را گرفت و صلحش آرمان‌های ما را از چنگال ما غارت کرد.»

مروه که علاقه ویژه‌ای به شعر دارد، ازش می‌خواهم پایان این روایت تلخ را با شعری نقطه پایان بماند. او شعر ترجمه‌شده خلیل روادی با ترجمه استاد واصف باختری را برایم می‌خواند:

«بیگانه‌ی زورمند
در سرزمین من
در شهر من
در کوچی من
شناس‌نامه‌ی مرا بررسی می‌کند
تا جعلی نباشد
از خشم تا مرز دیوانه‌گی به پیش می‌تازم»

مادهای انگلیسی در خدمت طالبان



روستایی

به‌تازه‌گی بعضی از مقام‌های طالبان از جمله وزیر خارجه این گروه با «علمای بریتانیا» دیدار کرده‌اند. به گفته سخنگویان گروه طالبان، امیرخان متقی در این دیدار در مورد تغییرات مثبت پس از حاکمیت این گروه بر افغانستان، صحبت کرده و همچنین از آن‌ها خواسته تصویر واقعی از افغانستان به جهانیان عرضه کنند. در اصطلاح طالبان، «علماء» به کسانی گفته می‌شود که تحصیلات دینی داشته باشند و سرگرم انجام وظایف دینی از قبیل پیش‌نمازی و فتوا و وعظ باشند. پیش از این نیز بارها ملاحی از پاکستان و کشورهای عربی به افغانستان آمده و با مقام‌های طالبان دیدار کرده‌اند.

اولین چیزی که در مورد این خبر جلب توجه می‌کند عبارت «علمای بریتانیا» است. پرسش این است که این «علمای بریتانیا» که به دیدار طالبان شتافته‌اند چه کسانی هستند؟ قطعاً این افراد کسانی نیستند که به‌گونه تخصصی در دانشگاه‌های بریتانیایی درس اسلام خوانده باشند، بلکه بیشتر آن‌ها ملاحی هستند که پاسپورت بریتانیایی دارند و بسیاری از آن‌ها برای پیش‌نمازی یا ایراد خطبه‌های نماز جمعه برای مسلمانان هندی و پاکستانی به بریتانیا آورده شده و در کلان‌سالی به شهروندی این کشور دست یافته‌اند و اگر بعضی از آن‌ها در بریتانیا هم بزرگ شده باشند، در محیط‌هایی پرورش یافته‌اند که کاپی برابر اصل محیط‌های کشورهای اصلی‌شان است. بریتانیا برای مسلمانان شبه‌قاره هند، برعکس بعضی دیگر از کشورهای غربی، تا حدودی آزادی عمل داده و به آن‌ها زمینه فراهم آورده که تجربیات کشورهای اصلی خود را در بریتانیا نیز تطبیق کنند. برخی از مناظر لندن، بیش از این که تداعی‌کننده کشور غربی باشد، به‌یادآورنده پاکستان، هند و بنگله‌دیش است. به گفته یک منبع آگاه، بسیاری از این ملاحی که از بریتانیا برای دیدار با مقام‌های طالبان آمده بودند پاکستانی‌الصل بودند.

تا کنون تنها گزارشی که از این دیدارها نشر شده گزارشی است که سخنگویان طالبان آن را بازتاب داده‌اند. در این گزارش هیچ چیزی در مورد تقاضای ملاحی انگلیسی از طالبان گفته نشده است. مطابق این گزارش، مقام‌های طالبان به برخی پرسش‌های این ملاحی پاسخ داده‌اند و جلسه ختم به خیر شده است. تحلیل ما این است که آمدن علمای بریتانیا به کابل، وجه تبلیغاتی دارد و ظاهراً به هدف سفیدنمایی طالبان و ارایه تصویر نرم و ملایم از این گروه سازمان‌دهی شده است. متقی نیز به صراحت از این ملاحی خواسته تصویر واقعی از افغانستان (بخوانید تصویر دوست‌داشتنی و خواستنی از حاکمیت طالبان) به جهان عرضه کنند. بنابراین، می‌توان گفت که سفر ملاحی یادشده بیش از این که تلاش معطوف به تعدیل مواضع طالبان در قبال شهروندان و مخصوصاً زنان باشد، کوششی است از سوی بعضی لابی‌گران بیرونی طالبان برای تظهير این گروه و زمینه‌سازی برای به رسمیت‌شناسی آن از سوی کشورهای جهان. چندی قبل، کاردار سفارت بریتانیا برای افغانستان شامل هیاتی از مقام‌های بریتانیایی به کابل سفر و با مقام‌های

طالبان گفت‌وگو کرد. پس از این سفر، رییس کمیته دفاعی مجلس نماینده‌گان بریتانیا، کمپانی را به نفع طالبان راه‌اندازی کرد و از محاسن حاکمیت این گروه بر افغانستان، به‌صورت مبالغه‌آمیز سخن گفت؛ هرچند بعداً در اثر فشار افکار عمومی از این کار اظهار پشیمانی کرد.

احتمال دارد علمای انگلیسی از گروه طالبان خواسته باشند که در برخی از رفتارهای خود بازنگری کنند. آیا طالبان به این درخواست‌ها اعتنایی می‌کنند؟ گذشته طالبان بیان‌گر آن است که این گروه به هیچ صورت به مشوره‌ها و نصایح علمای دینی گوش نمی‌دهد، بلکه تا جایی با آن‌ها کنار می‌آید که بتواند از آن‌ها استفاده ابزاری کند. در گذشته، محمد العیسی، دبیر «رابطه العالم الاسلامی»، از طالبان خواهش کرد در اجرای آنچه احکام دین می‌دانند از سخت‌گیری کار نگیرند و با ملایمت در حق زنان رفتار کنند و حقوق مشروع آنان را نادیده نگیرند. همچنان هیاتی از مهم‌ترین نهادهای دینی پاکستان به افغانستان آمد و ضمن درخواست‌های دیگر، از طالبان خواست مکتب‌ها و دانشگاه‌ها را به‌روزی دختران بگشایند. در مورد دیگر، شیخ احمد طیب، عالم دین سرشناس جهان اسلام و رییس‌الزهر، عملکرد طالبان را در خصوص ایجاد محدودیت علیه زنان و جلوگیری از آموزش و تحصیل آن‌ها محکوم کرد و از این گروه خواست فوراً در این زمینه تجدید نظر کند و نگذارد دستاویزی به دست دشمنان اسلام بیفتد تا علیه آن به تبلیغات دست بزنند. واکنش طالبان در برابر این درخواست‌ها غالباً بی‌اعتنایی و سکوت بوده و یا موضوع را به آینده و غور و مشوره بیش‌تر موکول کرده‌اند.

طالبان در استفاده ابزاری از دین، استادی و مهارت فوق‌العاده دارند. طالبان مشروعیت مردمی ندارند و احتمالاً دست‌کم بعضی از رهبران‌شان به این امر واقفند. از این جهت، کوشش می‌کنند با استفاده از آموزه‌های اسلام، بر مردم حکمرانی و بقای حکومت خود را تضمین کنند. برخی از منتقدان دین می‌گویند که دین وسیله‌ای است در دست طبقه بالادست تا ارزش‌ها و عقایدش را بر فرودستان تحمیل کند. اگر این سخن در جاهای دیگر مصداق نداشته باشد، در مورد رویکرد طالبان نسبت به دین، صد درصد قرین واقعیت است. طالبان می‌دانند از دین و علمای دین برای تبلیغات به نفع‌شان بهتر می‌توانند بهره ببرند. دستگاه تبلیغاتی طالبان، چه در حال حاضر و چه در زمانی که از قدرت رانده شده بودند، بسیار خوب عمل می‌کرد و می‌کند. دست‌اندرکاران دستگاه تبلیغاتی طالبان می‌دانند از چه کلیدواژه‌ها برای نفوذ در اذهان مردم کار بگیرند. طالبان که خود را افراد برآمده از محیط مدرسه‌های دینی می‌شمارند، به‌آسانی می‌توانند با ملاحی دیگر کشورهای زبان مشترک بیابند و از آن‌ها در ارایه تصویر انسانی و زیبا از خود استمداد کنند.

در این‌جا شایسته است به نکته مرتبط به این موضوع اشاره کنیم. برخی از مسلمانان در سراسر جهان و مخصوصاً عده‌ای از مسلمانان ساکن غرب، که «میوه ممنوعه» را نخورده و طعم حاکمیت طالبان را نچشیده و فقط از دور صدای دهل را شنیده‌اند،

به طالبان سمپاتی دارند و سعی می‌کنند چشم بر جنایت‌ها و اعمال زشت این گروه ببندند و تاجر و واپس‌گرایی آن را نرمالیزه کنند. این اشخاص که از مواهب زنده‌گی در کشورهای سکولار بهره عام‌و‌تام می‌برند، دوست دارند شریعت اسلامی در افغانستان، با همان خوانش متحجرانه و قبیله‌ای طالبان، تطبیق شود و «ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی» در معرض اجرا گذاشته شود. چنین اشخاصی در میان افغان‌های مقیم غرب نیز اندک‌شمار نیستند. به احتمال قوی، «علمای بریتانیا» نیز از همین دسته افراد هستند. اگر این‌ها واقعا در گفتار خود صادقند چرا به‌جای زیستن در سایه حکومت‌های سکولار و بی‌دین، به جایی نقل مکان نمی‌کنند که این‌همه آن‌ها می‌ستایند و در بیان فضیلتش گلو پاره می‌کنند. دست‌کم آن بخش از علمای بریتانیا که افغان‌تبارند لازم است که به وطن قدم رنجه فرموده و برای تطبیق شریعت خدا با طالبان همکاری کنند. چرا این‌ها برای ما اطاعت از حاکمیت طالبان را توصیه می‌کنند، اما خودشان از زیستن در سایه آن فراری هستند؟

دنیای سیاست به‌طرز باورنکردنی، کلافه‌کننده و سرگیجه‌آور است. زمانی مایک پنس، معاون دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری پیشین امریکا، در ستایش از اسلام معتدل سخن گفت و آن را منبع الهام برای بشریت دانست و از مسلمانان خواست که اسلام را از دست افراطی‌ها نجات دهند. اما چرخ روزگار به‌گونه‌ای چرخید که حکومت ترامپ که پنس معاونش بود با طالبان، که نمونه درجه اول افراط‌گرایی دینی بود، توافق‌نامه امضا کرد و زمینه بازگشت‌شان به قدرت را مساعد ساخت. در ادامه این سناریو، اکنون می‌خواهند همان «اسلام معتدل» را دوباره به کمک طالبان بفرستند تا به این گروه مشروعیت ببخشند. در این میان، حتا به سراغ پیش‌نمازها و خطیبان پاکستانی‌تبار و بنگله‌دیشی‌الصل لندن و حوالی آن هم می‌روند و از آن‌ها می‌خواهند به قلمرو طالبان بروند و از آخرین تحولات در سرزمین ملاحی باخبر شوند و گزارش خوب برای پیروان خود ارایه کنند. برای سیاست‌مدار آنچه اهمیت دارد رسیدن به اهداف است؛ فرقی نمی‌کند که دستیابی به اهداف از چه راهی میسر می‌شود. رسانه‌های غربی برای چند سال، جنگ‌جویان علیه ارتش سرخ در افغانستان را «مبارزان آزادی» و «قهرمانان جنگ علیه الحاد» می‌نامیدند، اما پس از پایان یافتن جنگ سرد، همین جنگ‌جویان به یک‌باره‌گی به عناصری نامطلوب تبدیل شدند و انواع نسبت‌های زشت به‌سوی آن‌ها از سوی رسانه‌های غرب فرستاده شد. ببینیم این بار طالبان در استراتژی‌های غرب، تا چه زمانی حضور معنامند خواهند داشت. برای فعلاً معادله قدرت در منطقه به‌سود طالبان رقم خورده و آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از تنش‌های موجود میان امریکا و همپیمانانش از یک‌سو و روسیه و چین و ایران از سوی دیگر، ریشه‌های حاکمیت خود را مستحکم‌تر کنند. قراین حاکی از آن است که طالبان به‌خوبی به اهمیت خود در استراتژی منطقه‌ای ایالات متحده و غرب پی برده‌اند و از همین رو، خون‌سردانه و با اعتماد به نفس کامل در برابر غربی‌ها صحبت می‌کنند.

سازمان جهانی صحت افغانستان و پاکستان به محو پولیو نزدیک شده‌اند

۸صبح، کابل: سازمان جهانی صحت اعلام کرد که افغانستان و پاکستان با کاهش واقعات جدید فلج کودکان به محو ویروس پولیو نزدیک شده‌اند. حامد جعفری، روز دوشنبه، ۹ اسد، در صحبت با رسانه‌ها گفته است که پاکستان در سال جاری میلادی تنها یک واقعه و افغانستان در هفت ماه گذشته پنج واقعه مثبت این بیماری را گزارش داده‌اند.

او افزود: «پاکستان و افغانستان هیچ‌گاهی به این اندازه به هدف محو ویروس وحشی پولیو نزدیک نشده بودند. هر دو کشور همسایه که تنها میزبانان ویروس پولیو در جهان اند، باید یکجا به هدف برسند. حمایت کامل سیاسی، اداری و امنیتی باید وجود داشته باشد، تا ما سرانجام قادر به محو پولیو از جهان شویم.»

به گفته جعفری، ویروس پولیو در افغانستان تنها در ولایت‌های ننگرهار و کنر که هر دو با پاکستان هم مرز هستند، در گردش است. تمام پنج واقعه مثبت پولیو در سال جاری در ولایت ننگرهار تثبیت شده است.

جعفری تأکید کرد که در کمپاین‌های اخیر واکسین پولیو در افغانستان، میلیون‌ها کودک واکسین شدند که شماری از آنان برای چهار سال پیهم واکسین دریافت نکرده بودند.

گفتنی است که افغانستان و پاکستان چندین بار به هدف محو کامل ویروس پولیو نزدیک شده‌اند، اما تبلیغات نادرست در مورد واکسین و نیز درگیری‌های مداوم در این دو کشور، سبب عقب‌گرد در خصوص رسیدن به این هدف شده است.



منع فعالیت آرایشگاه‌های زنانه؛ یک شرکت خصوصی زمینه کار را برای آرایشگران زن مساعد کرده است

۸صبح، کابل: به‌دنبال منع فعالیت آرایشگاه‌های زنانه از سوی طالبان در کشور، یک شرکت ارایه محصولات آرایشی خصوصی برنامه حمایتی را تحت نام «اجازه دهید دیده شوید» به هدف حمایت از زنان آرایشگر آغاز کرده است.

مسئولان این شرکت روز دوشنبه، ۹ اسد، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که آنان برای هر یک از زنان آرایشگر به ارزش ۲۵ تا ۳۰ هزار افغانی محصولات مراقبت از پوست را قرار خواهند داد تا به فروش برسانند.

هوسی سادات، یکی از مسئولان «شرکت رگلاژ» گفت که با این اقدام زنان و دختران که در آرایشگاه‌ها کار می‌کردند، می‌توانند که هزینه زنده‌گی‌شان را تأمین کنند.

او تصریح کرد: «ما به ارزش ۲۵ تا ۳۰ هزار افغانی سرمایه که شامل محصولات مراقبت از پوست می‌شود را بدون اخذ پول در اختیار آرایشگران زن قرار می‌دهیم و آنان می‌توانند آن را به صورت آنلاین یا هر طریقی که خودشان می‌خواهند به فروش برسانند و مفاد آن را به خود بگیرند.»

گفتنی است که فعالیت آرایشگاه‌های زنانه در سراسر کشور، از تاریخ ۳ اسد سال جاری به‌دستور طالبان متوقف شده است.

بربنیاد آمارهای نشر شده، با این اقدام طالبان حدود ۶۰ هزار آرایشگر زن در کشور بیکار شده‌اند. طالبان پس از تسلط‌شان بر کشور، محدودیت‌های زیادی را بر زنان وضع کرده‌اند.

گرفتن حق العبور...

منبع تاکید کرد که ساخت و ساز «تول پلازا» در هر دو طرف گذرگاه سالنگ آغاز شده و با تکمیل شدن این محلات، جمع آوری پول از مسافران و راننده گان برای بازسازی سالنگها آغاز می شود. منبع تصریح کرد: «از طریق طرح جدیدی که طالبان با لایحه کار کرده اند، قرار است از هر موتور بزرگ باربری یا مسافربری مبلغ پنج هزار افغانی و از موتوره های تیزرفتار مبلغ یک هزار و یک صد افغانی حق العبور گرفته شود.»

با این حال، طالبان ادعای اخذ حق العبور از مسافران را تکذیب کرده و می گویند که این طرح فقط بر راننده گان تطبیق خواهد شد. مولوی عبدالکریم آغا، رییس حفظ و مراقبت طالبان در سالنگها، گفت: «ما در حال حاضر بر دو بخش کار را آغاز کرده ایم و فعلا در بخش هموار کاری کار داریم. کار بازسازی اساسی آن پس از تکمیل شدن جمع آوری مواد جغلی آن آغاز خواهد شد. تا زمانی که هموار کاری و انتقال مواد تکمیل نشود، طرح حق العبور تطبیق نمی شود. بالای طرح حق العبور بزرگ های ما کار دارند و اگر عملی شود، ممکن راننده گان تکس پرداخت کنند؛ اما ادعای گرفتن پول از مسافران توطیه غربی هاست.»

طرح جمع آوری حق العبور با واکنش شماری از راننده گان، مسافران و آگاهان امور اقتصادی مواجه شده است. مخالفان با انتقاد از طرح پرداخت حق العبور می گویند که با توجه به شرایط بد اقتصادی کشور، آنان توان پرداخت این پول را ندارند. نصرت الله، یکی از راننده گان شاهراه کابل-مزار شریف می گوید که مردم نانی برای خوردن ندارند و طالبان به بهانه های مختلف از آن ها «پول جمع آوری» می کنند. او تصریح کرد: «من راننده یک موتور کرولا هستم و در یک هفته یک بار نوبت من می رسد تا به مزار شریف مسافر ببرم. با توجه به این، من چقدر پول کرایه می گیرم که بیشتر از یک هزار افغانی آن را حق العبور بدهم. چقدر مصرف راه و تیل و پول نماینده گی می شود.» حسین شاه، باشنده بلخ، که می خواست از پروان به بلخ برود، در واکنش به طرح حق العبور طالبان از گذرگاه سالنگ گفت: «ممکن طالبان به طور مستقیم از مسافران حق العبور بگیرند، اما پولی که از راننده ها می گیرند، بالای ما تاثیر منفی دارد؛ چون راننده ها مجبور هستند که کرایه را بالا ببرند. خلاصه طالبان چور راه انداخته اند. کجاست پول هایی که از استخراج معادن به دست می آورند؟ او اضافه کرد: «اگر طالبان ده فیصد پول استخراج زغال سنگ را که با پاکستانی ها قرارداد کرده اند، بالای گذرگاه سالنگ مصرف کنند، این شاهراه به شکل اساسی بازسازی خواهد شد.»

با این حال، شماری از شهروندان از اخذ حق العبور برای بازسازی گذرگاه سالنگ حمایت کرده و تاکید بر شفافیت در روند جمع آوری پول دارند. مصطفی، باشنده بغلان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «این کار در تمام دنیا رایج است و نتیجه قناعت بخش نیز در قبال دارد. به این شرط پول از عابرین اخذ شود که متوازن به اقتصاد آن ها باشد و دوم این که پول تنها برای بازسازی سالنگها مصرف شود و به صورت شفاف و عاری از اختلاس باشد.»

شماری از آگاهان امور اقتصادی نیز می گویند که جمع آوری حق العبور در اقتصاد جایگاه قانونی داشته و بیشتر کشورها برای به دست آوردن منابع عایداتی از این شیوه استفاده می کنند. مجیب عثمانی، استاد دانشگاه و یکی از آگاهان امور اقتصادی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «حق العبور در تمام کشورهای جهان سوم و حتا در کشورهای پیشرفته وجود دارد. به خاطر این که افغانستان کدام عواید مشخصی ندارد، این اقدام نتیجه مثبت دارد و دولت ها می توانند از طریق جمع آوری حق العبور زیربناهای اقتصادی را اعمار کنند. اما در کل تاکید بر این باشد که شفافیت ایجاد شود و پاسخگو باشند. باید ماهانه پاسخ دهند که چه مقدار پول جمع آوری کرده اند.»

شاهراه سالنگ که نه ولایت شمالی و چهار بندر بزرگ تجارتی را به کابل وصل می کند، از هفت سال به این سو تخریب شده است. گفتنی است که حکومت های پیشین نیز چندین بار شاهراه سالنگ را ترمیم کرده بودند، اما به دلیل بی کیفیت بودن قیربزی، این شاهراه در جریان کمتر از یک سال دوباره تخریب شد.

آیا مخالفان سیاسی و نظامی طالبان توان به چالش کشیدن این گروه را دارند؟

فضل الرحمان رحمانی



برای برگشت به عرصه رقابت در افغانستان ندارد.

ناسازگاری استراتژی جنگی مخالفان مسلح با شرایط نبرد

فعالیت های نظامی دو سال پسین نیروهای مخالف طالبان به ویژه جبهه مقاومت، بیانگر مغایرت استراتژی و تاکتیک های رزمی آن ها با اصول رزم مدرن است. به عنوان مثال، نیروهای جبهه مقاومت بعد از شکست در نبرد پنجشیر به قرارگاه های ثابت خود در بلندی های اطراف وادی پنجشیر، اندراب و خوست و فرنگ عقب نشینی کردند و بدون انجام مانورهای چریکی منتظر نشستند تا یکی پس از دیگری توسط نیروهای طالبان قلع و قمع شوند. به این ترتیب، جبهه مقاومت با دنبال کردن استراتژی جنگ موضعی که برای نیروهای چریکی بسیار فاجعه بار عنوان می شود، نه تنها قادر به حفظ سنگرهای سرکوهی خود نشد، بلکه با دادن تلفات سنگین به ویژه در نبردهای تابستانی سال ۱۴۰۱، متحمل خسارات غیرقابل جبران شد. بر مبنای اصول رزم، زمانی که امکانات یک جناح محدود می شود، چاره ای ندارد جز توسل به وسایل نامحدود، استراتژی جنگ نامتقارن و چریکی که بر قوه ابتکار و تحرک پذیری بالا استوار است. به عنوان مثال، سقوط کابل در سال ۱۳۷۵ باعث شد تا احمدشاه مسعود با توسل به تاکتیک های جنگ چریکی نبرد با طالبان را وارد مرحله فرسایشی کند. با توجه به مصرف امکانات جنگی تحریک طالبان در نبردهای فرسایشی، این گروه دیگر قادر به مقاومت در برابر حمله نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده امریکا نبود و برای همین، در چهار هفته رژیم طالبان سرنگون شد. با توجه به آنچه در بالا آمد، در صورتی که اپوزیسیون قادر به ارائه طرح بدیل برای وضعیت فعلی نباشد، استراتژی جنگی منطبق با شرایط نبرد فعلی طرح و پیاده نکند و از همه مهم تر تحول جدی ای که منجر به تغییر دیدگاه بازیگران مهم بین المللی نسبت به تحولات افغانستان گردد، اتفاق نیفتد، احتمال این که جریان های مخالف طالبان این گروه را با چالش جدی روبه رو کنند، بسیار بعید به نظر می رسد.

کمتر از تغییر بنیادین قاعده بازی قدرت در افغانستان راضی نمی شوند، بعید خواهد بود. با توجه به حضور درشت عناصر جمهوریت در رهبری گروه های مخالف طالبان، به نظر می رسد که اعاده آن نظام هدف غایی آن ها را تشکیل می دهد. نکته درخور تامل در این رابطه فروپاشی نسبتاً آسان نظام مذکور به خاطر عدم مقبولیت آن در نزد افکار عمومی و بی اعتبارسازی آن توسط حلقه های تمامیت خواه بود.

نبود حمایت خارجی از جریان های مخالف طالبان، برخلاف جبهه مقاومت نخست که از حمایت یک ائتلاف قدرت مند منطقه ای با محوریت روسیه، هند و ایران برخوردار بود، از دیگر عوامل عدم موفقیت جریان های ضد طالبان است. با توجه به نقش غیرقابل انکار قدرت های خارجی در ترسیم مرزهای سیاسی افغانستان و تحولات پنج دهه پسین، احتمال پیروزی جناح های داخلی بدون حمایت خارجی بعید به نظر می رسد. در این رابطه، حضور رهبران جبهه مقاومت ملی در تاجیکستان قابل تامل است. اما جمهوری تاجیکستان در عمل نشان داده است که نه اراده جنگ با طالبان را دارد و نه هم توان تامین نیازهای تسلیحاتی و لجستیکی نیروهای مخالف را. قدرت های منطقه ای و جهانی به دو دلیل تمایل چندانی به ورود به گود رقابت تاج و تخت افغانستان از طریق حمایت حرکت های داخلی ندارند. دلیل نخست برمی گردد به تحول معادلات عرصه بین المللی بعد از جنگ اوکراین. در معادلات جدید قدرت، از یک سو قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای نظیر ایران، چین و روسیه منافع خود را در ثبات نسبی افغانستان بدون توجه به ویژه گی های رژیم حاکم می بینند. و از سوی دیگر، تقویت حضور ایالات متحده و کشورهای متحد آن در مناطق مهم مرز با روسیه و شرق دور اهمیت استراتژیک بیش تری نسبت به ادامه حضور آن ها در خاور میانه پیدا کرده است. دومین دلیل این است که ابهام در موضع گیری های سیاسی جریان های مخالف موجب فاصله گیری بازیگران مهم خارجی از آن ها شده است. از یک سو دموکراسی خواهی آن ها در تضاد با ایده آل های رژیم های اقتدارگرای منطقه قرار دارد و از سوی دیگر، ایالات متحده تمایلی

در دوساله گی سقوط کابل به دست نیروهای طالبان، نکته درخور تامل نه اقدام های عجیب و غریب گروه حاکم بلکه انفعال جریان های مخالف آن بوده است. برای درک دقیق وضعیت طرف های ذی دخل، لازم است تا نگاه گذرای به چالش های طالبان در کنترل کشور در دور اول حاکمیت آن ها داشته باشیم. در آن دوره با این که بیش از هشتاد درصد جغرافیای کشور به تصرف نیروهای طالبان درآمده بود، آن ها در شکست دادن مقاومت به رهبری احمدشاه مسعود به بن بست خوردند و در ادامه، جنگ وارد مرحله فرسایشی شد که به نحوی نشان دهنده شکست طالبان بود. در این مرحله اما طالبان با حمله پیش گیرانه بر پنجشیر تلاش کردند تا فرصت هسته سازی نیروهای جبهه مقاومت به رهبری احمد مسعود را از آنان بگیرند.

از سوی دیگر، افزون بر موقف مبهم جامعه بین المللی در مورد حمایت از مخالفان گروه حاکم و با برقراری رابطه با آن، فقدان روایت سیاسی واضح از سوی جناح های مخالف و ناسازگاری استراتژی جنگی آنان با شرایط نبرد فعلی، موجب تقویت موضع طالبان در برابر آن ها شده است. در این نوشته تلاش خواهیم کرد تا عوامل دخیل در موفقیت و یا ناکامی جریان های مخالف طالبان را به تحلیل بگیریم.

فقدان روایت سیاسی

اینک که نزدیک به دو سال از برگشت دوباره تحریک طالبان به قدرت می گذرد، مخالفان این گروه قادر به ارائه خط مشی سیاسی متفاوت از قاعده سیاسی حاکم (ناسیونالیسم قوم محور با چاشنی بنیادگرایی دینی) نشده اند. با توجه به این که نظام متمرکز سیاسی به دلیل گرایش به تمرکز قدرت و ثروت در پایتخت سیاسی و یا نهاد حاکم (ریاست جمهوری یا امارت) به یکی از عوامل تداوم بحران تبدیل شده است، جریان های مخالف طالبان موضع گیری روشنی در این مورد نداشته اند. بنابراین، تا زمانی که جریان های مخالف طالبان طرحی ارائه نکنند که در آن به ساختار نظام و تضمین های حقوقی و سیاسی به اقوام در حاشیه به صورت واضح پرداخته نشده باشد، احتمال حمایت اقوام و گروه هایی که به

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محقق
سر دبیر: حسین بهش
تحلیل گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جويا

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۸۷۹۹
نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

دیمیتری کولبا، وزیر خارجه اوکراین می‌گوید که کرواسی موافقت کرده است تا غلات این کشور را از طریق بنادر خود در رود دانوب و دریای ادریاتیک صادر کند. برنیاد گزارش رویترز، کولبا این اظهارات را روز دوشنبه، ۳۱ جولای، پس از گفت‌وگو با همتای کرواسی‌اش در کی‌یف مطرح کرده است. او تصریح کرد: «ما در حال ایجاد مسیرهای کارآمدی از بنادر و استفاده مطلوب از این فرصت هستیم. هر کمکی به ازسرگیری صادرات و هر دری که باز شود، یک کمک واقعی و موثر به امنیت غذایی دنیا خواهد بود.» روسیه در ماه جاری از قرارداد غلات دریای سیاه خارج شد و اوکراین را که یک تولیدکننده جهانی است، از اجرای حیاتی برای صادرات ایمن محصولات کشاورزی خود در طول جنگ محروم کرد.

مشاور امنیت ملی کاخ سفید در مذاکرات صلح اوکراین در عربستان شرکت می‌کند



نظامیان نیجر فرانسه را متهم به مداخله نظامی کردند

کودتاجیان نیجر، فرانسه را متهم به مداخله نظامی در آن کشور کرده و می‌گویند که پاریس تلاش می‌کند، تا از این طریق محمد بازوم، رئیس‌جمهور برکنار شده دوباره به قدرت برگردد.

یکی از فرماندهان نظامی نیجر روز دوشنبه، ۳۱ جولای، در سخنرانی‌اش که طریق تلویزیون دولتی آن کشور نشر شد، این اظهارات را مطرح کرده‌اند. او تصریح کرد: «فرانسه به دنبال راه‌ها و ابزارهایی برای مداخله نظامی در نیجر است و با رئیس‌ستاد گارد ملی نیجر برای کسب مجوز سیاسی و نظامی لازم جلسه‌ای برگزار کرده است.»

در همین حال، دکترین کولونا، وزیر خارجه فرانسه اتهام نظامیان نیجر را رد کرد، اما تأکید کرد که بازگرداندن بازوم به قدرت هنوز هم «ممکن» است. بازوم، یکی از متحدان غرب، پیش از دو سال پیش برای نخستین بار از زمان استقلال نیجر به صورت مسالمت‌آمیز به کرسی ریاست جمهوری آن کشور رسید و به تاریخ ۲۶ جولای توسط گارد ریاست جمهوری آن کشور از قدرت برکنار و بازداشت شد. نیجر در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را از فرانسه به دست آورد و از آن زمان به این سو چندین بار دست‌خوش کودتاهای نظامی شده است.

از سوی هم، حزب نایجر برای دموکراسی و سوسیالیسم که رئیس‌جمهور برکنار شده آن کشور رهبری آن‌را بر عهده داشت هشدار داده است که نیجر به «رژیم دیکتاتوری و استبدادی» تبدیل می‌شود.

این حزب همچنان نظامیان نیجر را به بازداشت وزیران داخلی، دفاع، ترانسپورت، تیل و معادن حکومت برکنار شده آن کشور متهم کرد.

پس از برکناری بازوم از کرسی ریاست جمهوری، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و اتحادیه آفریقا کودتای نظامی در نیجر را محکوم کردند و خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط بازوم شدند.

به صلح عادلانه و پایدار در اوکراین بحث کنند. مقام‌های امریکایی گفتند که هدف اوکراین این است که مذاکراتی برای شناسایی اصول مشترک به منظور پایان دادن به جنگ برگزار کند و در اواخر سال جاری میلادی یک نشست صلح با رهبران جهانی برای حمایت از این اصول برگزار شود. با این حال، کرملین اعلام کرده است که این کشور باید بدانند هدف مذاکراتی که با موضوع جنگ اوکراین در عربستان سعودی برگزار خواهد شد، چی می‌باشد. عربستان یکی از متحدان آمریکا و غرب است، اما روابط نزدیکی نیز با روسیه دارد و طی سال‌های گذشته دو کشور در تلاش بوده‌اند رهبری مجموعه‌ای از کشورهای عضو اوپک و هم‌پیمان را برای کاهش تولید جهانی نفت در جهت افزایش قیمت آن در دست بگیرند و در این زمینه موفق بوده‌اند.

مقام‌های امریکایی اعلام کردند که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، قرار است هفته آینده در مذاکرات صلح اوکراین در عربستان سعودی شرکت کند. قرار است مقام‌های ارشد بیش از ۳۰ کشور، از جمله کشورهای غربی، هند و برزیل در این نشست دو روزه که در پنجم ماه اگست در جده برگزار می‌شود، شرکت کنند. در صورت حضور سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، این دومین سفر وی به عربستان سعودی طی ۱۰ روز گذشته خواهد بود.

او روز پنجشنبه هفته گذشته نیز با محمد بن سلمان، ولیعهد و برخی مقام‌های دیگر عربستان سعودی درباره ثبات خاورمیانه گفت‌وگو کرد.

یک مقام امریکایی به گاردین گفته است: «ما انتظار داریم که اشتراک‌کننده‌گان در مورد اصول صلح و چگونه‌گی دست‌یابی



میزبانی عربستان از گفت‌وگوهای صلح اوکراین؛ کرملین خواستار روشن شدن اهداف نشست شد

وی تصریح کرده است: «تا زمانی که از اوکراین به‌عنوان ابزار جنگ جمعی غرب علیه روسیه استفاده شود، رژیم کی‌یف نمی‌خواهد و نمی‌تواند به صلح برسد.» این در حالی است که روز گذشته روزنامه امریکایی وال‌استریت ژورنال گزارش داده بود که عربستان سعودی قرار است در ماه پیش‌رو سال روان میلادی، میزبان مذاکرات صلح در اوکراین باشد. قرار است مقام‌های ارشد بیش از ۳۰ کشور، از جمله کشورهای غربی، هند و برزیل در این نشست دو روزه که در پنجم ماه اگست در جده برگزار می‌شود، شرکت کنند.



کرملین اعلام کرده است که باید بدانند هدف مذاکراتی که با موضوع جنگ اوکراین در عربستان سعودی برگزار خواهد شد، چی می‌باشد.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز دوشنبه، ۳۱ جولای، در پاسخ به پرسشی گفته است: «روسیه این نشست را دنبال خواهد کرد. ما باید بفهمیم که چه اهدافی تعیین شده‌اند و درباره چه مواردی بحث خواهد شد. هر تلاشی برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز، سزاوار ارزیابی مثبت است.» با این حال، او همچنان افزوده است در حال حاضر هیچ زمینه‌ای برای مذاکرات صلح با کی‌یف نمی‌بیند.

گروه داعش مسوولیت حمله انتحاری در باجور پاکستان را به عهده گرفت



داعش پیش از این جمعیت علمای پاکستان را به نفاق و حمایت از «دولت‌های متخاصم» و ارتش متهم کرده است.

داعش در عقب این حمله می‌باشد. این اولین حمله انتحاری در منطقه باجور ایالت خیبر پختونخواه می‌باشد که داعش خراسان مسوولیت آن را به عهده می‌گیرد. گفتنی است که شمار قربانیان حمله روز گذشته بر یک گردهمایی جمعیت علمای پاکستان در منطقه باجور ایالت خیبرپختونخواه به بیش از ۵۰ کشته و ۲۰۰ زخمی رسیده است.

برنیاد گزارش‌ها، گروه داعش خراسان مسوولیت حمله انتحاری در یک گردهمایی سیاسی روز گذشته در منطقه باجور ایالت خیبرپختونخواه را که بیش از ۵۰ کشته و صدها زخمی برجا گذاشت، به عهده گرفته است.

خبرگزاری اعماق، وابسته به گروه داعش روز دوشنبه، ۳۱ جولای، با نشر خبرنامه‌ای این موضوع را اطلاع داده است. این گروه از فرد انتحاری عبدالله مهاجر نام برده است. در همین حال، پولیس پاکستان نیز گفته است که دست

درگیری‌ها میان ارتش کلمبیا و باندهای جنایت‌کار دست‌کم ۲۰ کشته برجای گذاشت

گروه مخالف فارک و هفت عضو باند کلن در رویدادهای جداگانه کشته شده‌اند.

در نتیجه این درگیری‌ها یک نیروی ارتش کلمبیا نیز کشته شده است. کلمبیا با وجود نیم قرن تلاش برای سرکوب قاچاق مواد مخدر، همچنان بزرگترین تولیدکننده کولکابین در جهان است و ایالات متحده نیز مقصد اصلی قاچاق این مواد از کلمبیا است.

باند تبهکار «کلن دل گلفو» که در ۳۰۰ شهر و روستای کلمبیا حضور دارد، علاوه بر قاچاق مواد مخدر، در استخراج غیرقانونی معادن و زورگیری نیز دست دارد و یکی از عوامل اصلی بدترین نوع از خشونت‌ها در سراسر این کشور به حساب می‌آید.

ارتش کلمبیا کلمبیا اعلام کرد که در پی درگیری‌های آنان با مخالفات فارک و باند جنایت‌کار «کلن دل گلفو» دست‌کم ۲۰ تن کشته شده‌اند.



رویترز بامداد سه‌شنبه، ۱ اگست، به نقل از اعلامیه ارتش کلمبیا گزارش داده است که این درگیری‌ها در چندین نقطه این کشور رخ داده است.

برنیاد اعلامیه، در پی یک عملیات ارتش این کشور علیه باندهای قاچاق مواد مخدر، دست‌کم ۱۲ جنگ‌جوی

دو تن بار دیگر نسخه قرآن را در سویدن آتش زدند

اعتراض‌کننده‌گان به رسانه‌های محلی گفته‌اند که می‌خواهند کتاب مقدس مسلمانان در سویدن ممنوع شود.

این در حالی است که هتک حرمت به قرآن در سویدن خشم کشورهای اسلامی را برانگیخته و روابط دیپلماتیک میان سویدن و چندین کشور اسلامی را تیره کرده است.

عربستان سعودی و عراق خواستار برگزاری نشست سازمان همکاری اسلامی برای رسیده‌گی به اعتراضات در سویدن و دنمارک شده‌اند و قرار است سازمان همکاری اسلامی به درخواست این دو کشور امروز در شهر جده عربستان سعودی تشکیل جلسه دهد. طالبان نیز در واکنش به این موضوع تمام فعالیت‌های مربوط به سویدن را در افغانستان ممنوع اعلام کردند.



برنیاد گزارش‌ها، دو شهروند سویدنی بار دیگر دست به آتش زدن نسخه قرآن در شهر استکهلم، پایتخت آن کشور زده‌اند. رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که این دو مرد سویدنی روز دوشنبه، ۳۱ جولای، با اجازه پولیس در مقابل ساختمان پارلمان این کشور این کار را انجام داده‌اند.